

حماسه اقتصادی، کاهش درجه شکنندگی اقتصاد ایران دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران

کمرنگ شدن مفهوم مرزهای ملی کشورها بواسطه جهانی شدن منجر شده است تا اقتصادهای ملی در معرض نوسانهای داخلی و خارجی بسیاری قرار داشته باشند. امروزه بازارهای مالی، سرمایه، پول و ... درهم تنیده شده است و اختلالات و عدم تعادل های یک کشور یا منطقه اقتصادی می تواند به راحتی به دیگر مناطق و یا کشورها سرایت کند. در این راستا کشوری که ساختارها و بنیان های قوی-تری در خود تعبیه کرده باشد قادر به بالندگی و بقای خویش در میان مدن و بلندمدت است. به بیان ساده تر وجود ابزارهای متنوع، خودتنظیم و انعطاف پذیر در درون ساختار اقتصادی کشورها، امکان شکنندگی بواسطه بروز تکانه های وارده به سیستم را به شدت کاهش می دهد. به عنوان نمونه مقایسه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گویای این واقعیت مهم است. کشورهای توسعه یافته با اینکه به شدت درهم تنیده اند اما تکانه های برون زای وارده به آنها حداقل خسارت را به بار می آورد ولی در مقابل کشورهای در حال توسعه وضعیتی متفاوت دارند و تکانه های مختلف تاثیری قابل توجه بر آنها وارد می کند. نمونه بارز این وضعیت در اقتصاد ایران قابل مشاهده است بگونه ای که تکانه های ناشی از بازار نفت، نوسان قیمت های جهانی و ... تاثیر مستقیم و ملموسی بر بخش های مختلف اقتصادی ایران برجای می گذارد. براین اساس نوشتار حاضر بدنبال یافتن راهکارهایی به منظور افزایش درجه انعطاف-پذیری و کاهش شکنندگی اقتصاد ایران به شرح زیر است.

۱- متنوع سازی اقتصاد و کاهش درجه وابستگی به نفت: بخشی عمده ای از درآمدهای ارزی کشور و همچنین درآمدهای دولت از کانال صادرات نفت تامین می شود. این امر به عدم تنوع سبد ارزی و همچنین سبد درآمدی دولت منجر شده است. بدیهی است تحت چنین شرایطی تکانه های مثبت و منفی بر صادرات نفت و درآمدهای نفتی به بروز نوسانات عمده ای در اقتصاد کلان ایران منجر شود.

۲- اقتصاد دولتی و عدم نقش قابل قبول بخش خصوصی: وابستگی به نفت طی دهه های گذشته و حاکمیت نسبتا مطلق دولتی بر اقتصاد ایران باعث شده است تا بخش خصوصی توان کافی برای حضور در عرصه اقتصادی را نیابد. عدم حضور پررنگ بخش غیردولتی منجر شده است تا زمینه-

های رشد و تکامل این بخش به کندی شکل گیرد و قواعد و چارچوبی برای توانمندسازی این بخش نیز به صورت جدی دنبال نشود. در مثالی ساده اگر نسبت بخش خصوصی به اقتصاد ملی از وضع موجود بالاتر می‌بود آیا تحریم‌های بین‌المللی به این میزان بر اقتصاد داخلی تاثیرگذار بود؟

۳- قدرت رقابت‌پذیری تولیدات داخلی: وابستگی به نفت و تامین درآمدهای سهل‌الوصول منجر شده است تا امکان پاسخگویی به نیازهای داخلی در بخش قابل مبادله از طریق واردات به سرعت امکان‌پذیر باشد. تداوم این امر طی دهه‌های گذشته به تدریج به کاهش قدرت رقابت‌پذیری بخش‌های تولیدی کشور منجر شده و توان رقابتی آنها را در خارج از مرزهای کشورهای تضعیف کرده است.

۴- بهبود فضای کسب و کار: حضور پررنگ دولت و نقش کمرنگ بخش خصوصی منجر شده است تا نقش دولت از سکان‌دار به پاروزن در اقتصاد تغییر کند. براین اساس تغییر و نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ایران منجر شده است تا نقش اصلی خود به‌عنوان تسهیل‌گر امور و فراهم‌کننده بسترها، قواعد و چارچوب‌های مناسب برای بازیگران اصلی اقتصاد را به‌بوته فراموشی بسپارد. یکی از مهمترین این امور بهبود فضای کسب و کار است که از آن به‌عنوان یکی از مهمترین راهبردهای اقتصادی و حتی پیش‌نیاز اصلی توانمندسازی بخش خصوصی یاد می‌شود.

در مجموع براساس آنچه عنوان شد بنظر می‌رسد یکی از مهمترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران عدم وجود ساختار اقتصادی مناسب است که در آن بازیگران مختلف عرصه اقتصادی، نقش و جایگاهی متفاوت از شرح وظایف اصلی خویش ایفاء می‌کنند. البته دلیل اصلی این امر نیز سلطه همه جانبه حوزه نفت بر اقتصاد ایران است که مانع از شکل‌گیری بنیان‌های انعطاف‌پذیر و خودتنظیم در درون لایه‌های مختلف اقتصاد ایران شده است.